

۱- علم اخلاق با چه علومی در ارتباط است؟

۱. علم اخلاق و فقه  
۲. علم اخلاق و حقوق  
۳. علم اخلاق و عرفان عملی  
۴. علم اخلاق و علوم تربیتی

توضیح علم اخلاق و حقوق؛ موضوع علم حقوق، قواعد کلی و الزام آور اجتماعی است که اجرای آن از سوی دولت و قدرت حاکم تضمین شده است. بنابراین علم حقوق، فقط به زندگی دنیوی و اجتماعی انسان نظر دارد و احکام آن همگی لازم بوده و برای اجرا ضمانت دنیوی و خارجی دارند. در حالی که علم اخلاق شامل زندگی فردی انسان نیز می شود. و احکام غیر الزامی نیز در آن وجود دارد. یعنی اخلاق هم شامل زندگی اجتماعی و فردی می شود و هم دارای احکام الزامی و غیر الزامی است و آن دسته از احکام اخلاقی که ماهیت حقوقی ندارند، ضمانت اجرای دنیوی و خارجی نیز نداشته، ضامن اجرای آنها درونی و اخروی است.

۲- سه مکتب و مشرب عمده اخلاقی بین اندیشمندان و عالمان اخلاقی را بیان کرده و توضیح دهید کدام مشرب اخلاقی مورد قبول و حاکم بر این نوشتار است؟

۱. اخلاق فیلسوفانه؛ این شیوه اخلاقی عمدتاً با پذیرش و تأثیر پذیری از نظریه ((اعتدال)) و ((حدوسط)) به عنوان معیار کلی برای فضیلت اخلاقی، در مقابل ((افراط و تفریط)) که مشخصه ردیلت اخلاقی اند تلاش می کند تا تمام خوبی ها و بدی های اخلاقی را در قالب این فرمول توجیه و تبیین نماید.

۲. اخلاق عارفانه؛ یعنی اخلاقی که عرفا و متصوفه مروج آن بوده اند این نوع اخلاق که بیشتر تکیه بر تربیت اخلاقی و سیر و سلوک دارد، تلاش زیادی برای ترسیم یک نظام تربیتی و تعیین مبدأ و مقصد آن و منازل و مراحل که در بین راه وجود دارد و وسایل و لوازمی که در هر منزل به کار مسافر این راه می آید، مصروف داشته است.

۳. اخلاق نقلی؛ یعنی اخلاقی که محتان با نقل و نشر اخبار و احادیث در میان مردم به وجود آورده اند. در این شیوه، مفاهیم اخلاقی بر اساس آنچه که در کتاب و سنت آمده بدون توجه جدی و کافی به ترتیب واقعی حاکم بر آنها و مناسبات موجود بین آنها، بیان می گردد.

شیوه مورد قبول در این نوشتار، تلفیق و ترکیبی است از نکات مثبت موجود در هر سه شیوه مذکور و در عین حال در این شیوه تلاش می شود که نارسایی های روش های نامبرده جبران گردد بنابراین در این روش، اولاً سعی می شود که اخلاق اسلامی از نظر شکل و محتوا در حد امکان براساس قواعد عقلانی و منطقی تنظیم و تبیین می گردد. وثانیاً از دستاوردهای و تجربیات عارفان در حد امکان استفاده شود. وثالثاً، ملاک و معیار داوری اخلاقی همواره قرآن و روایات باشد.

#### ۴- اصطلاحات زیر را تعریف کنید.

الف: مطلق گرایی؛ پای فشردن بر این باور است که اصول و گزاره های اخلاقی وابسته به هیچ امری خارج از ذات موضوعات اخلاقی و آثار و نتایج واقعی آنها نیستند.

ب: نسبیّت؛ یعنی وابستگی یک شیء به امر یا امری متغیر و خارج از ذات و آثار واقعی آن.

ج: تسویه؛ یعنی فرد دائماً انجام کارهای پسندیده را به فردا موکول می کند.

د: خمود؛ عبارت است از سستی و تفریط در کسب معاش ضروری زندگی و سستی و بی رغبتی در بهره مندی از لذت های جنسی و سایر لذت ها.

ه: حسادت؛ عبارت از این است که انسان در دل تمنه ای محرومیت کسبی را از نعمتی که استحقاق آن را داشته باشد.

ج: غبطه و منافسه؛ هرگاه آرزوی او داشتن نعمتی باشد که دیگری از آن برخوردار است به چنین حالتی ((غبطه یا منافسه)) گفته می شود.

ح: غرور؛ یعنی اطمینان و آرامش قلب نسبت به آنچه که با هوای نفس موافق بوده و طبیعت انسان به آن تمایل داشته باشد.

خ: انکسار نفس؛ آن است که انسان بدون این که خود را بادیگران مقایسه نماید، خود را کوچک و پایین شمرده و خودپسند و از خود راضی نباشد.

چ: ادلال؛ گاهی خودپسندی فرد به درجه ای می رسد که بر اثر کمالاتی که در خود تصور می کند، برای خود از خداوند حقوق و مطالباتی را انتظار دارد و برای خود نزد پروردگار جایگاهی قائل است به طوری که مثلاً بروز حوادث ناخوشایند را در حق خود بعید می پندارد به چنین حالتی ادلال گفته می شود.

س: عجب؛ بزرگ پنداشتن خود به دلیل کمالی که فرد در خیش می بیند؛ چه این که در واقع چنین کمالی را داشته باشد یا خیر.

ش: رضا؛ ((رضا)) در مقابل ((سخط)) است و آن عبارت است از ترک اعتراض نسبت به آنچه خداوند مقرر داشته است، در ظاهر و باطن و در گفتار و رفتار.

ص: رجا؛ عبارت است از احساس راحتی قلب در نتیجه انتظار تحقق امری که محبوب و خوشایند است.

ض: جبن؛ عبارت است از خوداری نفس از دفاع و انتقام و امثال آن در جایی که اقدام به آن عقلا و شرعا مجاز و نیکو است.

ط: غرور و حماقت؛ اگر اسباب و علل پیدایش امر محبوب فراهم نبود و در عین حال شخص انتظار تحقق آن را دارد، به چنین انتظاری ((غرور)) و ((حماقت)) می گویند.

ظ: ایمان مستقر؛ ایمانی است که تا روز قیامت ثابت و ماندگار است.

ع: ایمان مستودع؛ ایمانی است که قبل از مرگ، خداوند آن را از انسان باز می ستاند.

د- انواع نسبت گرای اخلاقی را نام برده یک مورد را توضیح دهید .

۱. نسبت گرای زیست شناختی ۲. نسبت گرای جامعه شناختی ۳. نسبت گرای روان شناختی  
۴. نسبت گرای فرهنگی

۵. نسبت گرای ماتریالیستی؛ فضیلت یا رذیلت بودن یک صفت یا رفتار، بستگی به نقش و کارکرد آن نسبت به ایجاد برابری و تساوی مادی در بین انسان ها و توزیع برابر امکانات دارد.

۶- عناصر ارزشمندی عمل اخلاقی را نام برده توضیح دهید.

الف: عناصر فعلی و عینی؛ شرایط و وضعیتی است که لازم است در ((فعل)) به عنوان یک امر واقعی، عینی و مستقل از اراده و وضعیت فاعل، وجود داشته باشد.

ب: عناصر فاعلی؛ شرایطی است که به نوعی به فاعل بر می گردد. وجود دو عنصر اساسی در فاعل لازم است تا عمل او با وجود شرایط دیگر در فعل، به زیور نیکی و ارزشمندی اخلاقی آراسته گردد. این دو عنصر عبارتند از: ((آزادی و اختیار فاعل)) و ((وجود انگیزونیت خاصی)) در او، از هنگام شروع تا پایان فعل.

۷- انواع جبر را نام برده یک مورد را تعریف کنید.

۱- جبر فلسفی ۲- جبر اخلاقی ۳. جبر حقوقی ۴. جبر روان شناختی ۵ - جبر جامعه شناختی؛  
در مواردی وضعیت جامعه و آداب و سنن و فرهنگ اجتماعی ایجاب می کند که فرد رفتار مشخصی را از

خود بروز دهد و ناگزیر است برخی اعمال را ترک نماید مانند آنکه فشارهای اجتماعی در جامعه ایرانی یک فروشنده را وادار می کند که روز عاشورا حتی اگر دلخواه او نباشد، فروشگاه خود را تعطیل کند.

۸- وجود چه عناصری در فرد شرط پذیرش مسئولیت اخلاقی او می گردد؟

بلوغ، عقل، علم یا امکان تحصیل آن، قدرت، عدم اضطرار، عدم اکراه قصد و تعمّد،

۹- سه رهیافت اساسی برای رسیدن به مصادیق فضیلت و رذیلت اخلاقی با توجه به نظام اخلاقی اسلام رانام برده توضیح دهید.

۱. عقل؛ با قبول حسن و قبح ذاتی اعمال و اشیا و با اذعان به توانمندی عقل بشر برای راهیابی و درک این بدی و نیکی عقل بشری به عنوان داور مستقل در نظام اخلاقی اسلام به رسمیت شناخته شده است.

۲. فطرت؛ وجود گرایش های فطری به سوی نیکی های اخلاقی و نفرت های درونی نسبت به پلیدی ها در سرشت و خمیرمایه جان آدمی، رهیافت قابل اعتماد و مطمئنی است که منشأ آن گوهریاک و بی آلایش انسانیت و قلب سلیم است.

۳. وحی؛ وحی رهیافت سومی است که دو طریق پیشین را تکمیل می کند. وحی به دلیل توانمندی در تعیین و تفسیر مفاهیم اخلاقی و پرداختن به جزئیات آنها نقش اول را در باب شناسایی عمل اخلاقی دارد؛ اگر چه هیچ گاه آن دو را نیز نادیده نمی انگارد، بلکه همواره به شکوفایی و کارآمد کردن آن دو اصرار می ورزد.

۱۰- آفات و مانع ایمان را نام برده یک مورد را توضیح دهید.

یک: جهل: جهل اعم از بسیط و مرکب از موانع بزرگ ایمان است. مراد از جهل بسیط آن است که انسان فاقد علم باشد و بر عالم نبودن خویش نیز اذعان داشته باشد. ولی جهل مرکب عبارت است از اینکه آدمی عالم نبوده و بهره ای از واقعیت در ذهن ندارد؛ ولی معتقد است که او واقعا به حقیقت دست یافته است.

دو: شک و حیرت  
سه: خاطرات نفسانی و وسوسه های شیطانی  
چهار: و اساس علمی  
پنج: کفر و شرک

۱۱- درجات توکل را از دیدگاه عالمان اخلاق بیان کنید.

اولین درجه توکل به خداوند آنست که اعتماد و اطمینان انسان به او، همانند اعتمادش به وکیلی باشد که برای انجام کارهایش بر می‌گزیند. در واقع پایین‌ترین درجه توکل است و به آسانی قابل دستیابی است مدت زیادی هم مستمر می‌ماند و با اختیار و تدبیر انسان هم منافاتی ندارد.

در درجه دوم توکل، انسان از اصل توکل غافل و در وکیل خود یعنی خداوند فانی است برخلاف نوع اول که توجه فرد بیشتر به رابطه قراردادی و کالت است این درجه از توکل کمتر تحقق پیدامی کند و زودتر از بین می‌رود و حداکثر یکی دو روز بیشتر دوام ندارد، و تنها برای افراد خاصی حاصل می‌گردد. شخص در این حالت عمده تلاش خود را صرف گریه، درخواست و دعا به درگاه خداوند می‌نماید.

عالی‌ترین درجه توکل آن است که انسان همه حرکات و سکنات خویش را به دست خداوند ببندد. تفاوت این نوع از توکل با نوع دوم در این است که در این جا شخص حتی التماس و درخواست و تضرع و دعا را رها می‌کند و باور دارد که خداوند امور را به حکمت خویش تدبیر می‌کند اگر چه او هم التماس و درخواست نکند. این نوع بسیار نادر الوقوع است و جز برای صدیقین حاصل نمی‌شود و در صورت وقوع هم به زودی از بین می‌رود و چند لحظه بیشتر دوام نمی‌یابد.

## ۱۲- با توجه به منابع رایج اخلاق اسلامی درجات بیم را توضیح دهید.

در منابع رایج اخلاق اسلامی ((ورع)) و ((تقوا)) و ((صدق)) درجات خوف دانسته‌اند.

- پایین‌ترین درجه خوف آن است که باعث شود که او از ارتکاب ممنوعات و محظورات اخلاقی خودداری نماید. این درجه از ((خوف)) را ((ورع)) می‌نامند.

- هرگاه بر قوت و قدرت ((خوف)) افزوده گردد و باعث شود که آدمی علاوه بر خودداری از محرّمات، از ارتکاب شبهات هم خودداری نماید، به آن ((تقوا)) گفته می‌شود.

- صدق در تقوا به آن است که حتی از انجام برخی از امور مجاز و مباح بپرهیزد تا مبادا زمینه ارتکاب حرام را فراهم کنند.

## ۱۳- آفات امیدواری را توضیح دهید.

۱. امیدواری بدون عمل؛ بی‌آفات مهم امیدواری در واقع امیدهای کاذب و بی‌اساس است. در نظام اخلاقی اسلام، سعادت‌مند نیز از مسیر عمل صالح نمی‌گذرد؛ ولی بسیاری افرادی که بدون تلاش و عمل نیک مدعی امیدواری به سرانجام نیکو هستند.



۲. احساس ایمنی از مکر خداوند؛ زیاده روی در امید به بخشایش خداوند موجب احساس ایمنی از مکر خداوند می گردد که یکی از رذیل اخلاقی است. ایمن پنداشتن خویش از عذاب و مکر الهی با خوف خداوند منافات دارد و احساس ایمنی از مکر الهی سرآغاز غلتیدن در عصیان خداوند است.

#### ۱۴- مراتب صبر بر امور ناخوشایند را بیان کنید.

۱- صبر توبه کنندگان؛ و آن عبارت است از ترک شکوه، بی تابی و بی قراری و رفتار غیر طبیعی و پریشان نداشتن.

۲. صبر زاهدان؛ یعنی علاوه بر مرتبه اول، بر آنچه نسبت به انسان مقدر شده از سختی ها و درد ورنج ها، و رضایت قلبی داشتن.

۳. صبر صدیقان؛ یعنی علاوه بر دو مرتبه قبل، نسبت به آنچه خداوند در حقانسان مقرر داشته، عشق ورزیدن و آن را دوست داشتن.

#### ۱۵- موانع عمومی عفت را نام برده توضیح دهید.

۱. شرارت؛ شرارت در مفهوم عام خود عبارت است از پیروی از قوای شهوانی در آنچه طلب می کنند؛ اعم از شهوت شکم و شهوت مال دوستی و مانند آن. شرارت یعنی شدت حرص بر لذت های جنسی و زیاده روی در آنها.

۲. خمود؛ (خمود) در مقابل (شرارت) است؛ یعنی کوتاهی و کاهلی در تهیه خوراک ضروری و سستی در بهره مندی لازم از غریزه جنسی؛ به طوری که موجب از دست دادن صحت و سلامت و ضایع شدن خانواده و انقطاع نسل گردد.

#### ۱۶- اصطلاحات زیر را تعریف کنید.

الف: عفت؛ در لغت عفت به مفهوم خودداری از انجام امر قبیح و ناپسنداست. و در اصطلاح علم اخلاق (عفت) عبارت است از صفتی نفسانی که از غلبه و حاکمیت شهوات بر انسان جلوگیری می کند.

ب: موانع حیا؛ یک از میان برداشتن پرده ها و حریم ها دو: دست نیاز به سوی مردم دراز کردن

چهارد: شراب خواری

سه: زیاد سخن گفتن

ج: اسباب حیا؛ عقل، ایمان

د: مدافنه؛ نرمش، سهل انگاری، مماشات و سستی در امر به معروف و نهی از منکر است.

ه: وقار؛ آرامش در گفتار، کردار، و حرکات، قبل از شروع بعد از شروع آنها.

ت: قوت نفس؛ ملکه ای نفسانی است که انسان را قادر می سازد تا حوادثی را که برای او پیش می آید، هر چند خطیر باشد، به خوبی تحمل کند.

ث: حقد؛ عبارت است از داشتن عداوت و دشمنی دیگری در دل و منتظر فرصت مناسب برای ابراز آن بودن.

خ: موانع زهدورزی؛ ۱. محبت دنیا ۲. خمود

ح: زهد، عبارت است از اعراض قلبی و عملی از دنیا، مگر به مقداری که آدمی بدان نیاز ضروری دارد.

ج: عمده ترین آفات و موانعی که در مقابل جهت مطلوب نفس نسبت به آینده قرار دارد؟؛ الف: آرزوهای دراز ب: دون همتی

چ: دون همتی: دون همتی، انسان را از پیگیری مقامات و اهداف بلند باز می دارد، و آینده نگری و عاقبت اندیشی را بر نمی تابد و دم غنیمتی و روزمره اندیشی را پیشه او می سازد.

۱۷- تفاوت حلم با کظم غیظ را بنویسید.

کظم غیظ تنها پس از پیدایش خشم و غضب آن را تضعیف کرده فرو می نشاند. بنابراین (حلم) از پیدایش غضب بی جا پیشگیری می کند، ولی (کظم غیظ) بعد از پیدایش آن از بروز آثارش جلوگیری کرده در واقع آن را درمان می نماید.

۱۸- مراتب زهد از حیث چیزی که در طلب آن انسان از دنیا روی بر می گرداند.

یک: زهد خداترسان؛ انسان برای تحصیل نجات از آتش و سایر عذاب های اخروی از دنیا رویگردان می شود.

دو: زهد امیدوران؛ یعنی روی برتافتن از دنیا به امید رسیدن به ثواب خداوند و نعمت های بهشتی.

سه: زهد عارفان؛ نه توجهی به درد ورنج ها دارد تا رهایی از آنها را طلب کند و نه اعتنایی به لذت های دنیا تا بهره مندی از آنها را بجوید، بلکه تنها در اشتیاق دیدار و ملاقات پروردگار است.